

متمم‌ها و گروه‌ها حرف اضافه‌ها

علی حیدری نایب

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان نوشهر

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی و شفاف‌سازی ماهیت «گروه حرف اضافه‌ای» در نقش متمم است. برای رسیدن به این هدف، نگارنده پس از بررسی و نقد نقش‌های این گروه در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان، انواع متمم را به متمم‌های اجباری و متمم‌های اختیاری تقسیم نموده است. سپس هر یک از آن‌ها را در قالب گروه اسمی، گروه صفتی، گروه قیدی و گروه حرف اضافه‌ای نشان داده و نقش دستوری‌شان را بیان کرده است.

همچنین، در این مقاله گروه‌های حرف اضافه‌ای و گروه‌های صفتی همانند گروه‌های اسمی یک سازه‌ای مستقل دانسته شده‌اند. این مقوله‌ها از نظر دستوری نقش‌های مختلفی براساس شرایط و ظرفیت فعل ایفا می‌کنند؛ مثلاً واژه‌هایی نظیر بیزار، شبیه و آگاه به‌عنوان هسته گروه صفتی، متمم‌هایی به صورت‌های اضافه‌ای، بندی و حرف اضافه‌ای دارند. این صفت‌ها با متمم‌های خود گروه بزرگ‌تری به نام گروه صفتی را تشکیل می‌دهند که این گروه می‌تواند نقش‌های دستوری (فاعل، مفعول، مسند و...) ایفا کند. نگارنده در این پژوهش بیشتر از روش و چهارچوب دستور صورت‌گرا و نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی بهره برده است.

مقدمه

متمم یکی از پربسامدترین نقش‌های نحوی را در کتاب‌های دستور درسی داشته است ولی در کتاب‌های دستور دبیرستان هیچ تمایزی میان طبقات دستوری و نقش‌های دستوری متمم وجود ندارد. این امر از اندیشه دستورنویسی سنتی و زایشی برمی‌خیزد که با نگاه زبان‌شناسانه دستورنویسان تناقضاتی دارد. برای نمونه، دستورنویسان سنتی در نخستین گام در تحلیل‌های نحوی جمله را به دو گروه نهاد و گزاره تقسیم می‌کنند (زبان فارسی سوم، ۱۳۹۱: ۱۴) که همواره نگاهی از کل به جزء است ولی محققان و زبان‌شناسان جدید تحلیل و توصیفی براساس نگاه از جزء به کل ارائه داده‌اند و بر پایه این نگرش توصیف‌های دستوری خود را در سه سطح صوری، دستوری و معنایی مطرح کرده‌اند. نگارنده انواع نقش‌های دستوری از قبیل فاعل، مفعول، مسند، تمیز و قید را نوعی متمم می‌داند که به‌صورت گروه‌های مختلف در جمله ظاهر می‌شوند.

او در پژوهش پیش رو انواع متمم و گروه‌های حرف اضافه‌ای را بررسی می‌کند و می‌کوشد نشان دهد که علاوه بر گروه‌های فعلی، اسمی و قیدی - که در کتاب‌های درسی (همان) از آن‌ها نام برده شده است - گروه‌های حرف اضافه‌ای و صفتی نیز سازه‌هایی مستقل‌اند و می‌توانند نقش‌هایی از قبیل فاعل، متمم مستقیم/مفعول، مسند، تمیز، متمم فعل و قید ایفا کنند.

تعریف متمم

متمم به گروه‌هایی گفته می‌شود که ظرفیت هسته را کامل می‌کنند. این هسته ممکن است فعل، اسم، صفت یا قید باشد. گروه‌هایی که متمم واقع می‌شوند عبارت‌اند از: گروه اسمی، گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی و بند که این گروه‌ها به همراه هسته خود و با توجه به ظرفیت فعل در نقش‌های دستوری خاصی ظاهر می‌شوند. به‌طور کلی، متمم‌ها به دو دسته اختیاری و اجباری تقسیم می‌شوند.

احمد کتاب را به مینا پس داد.

۱. [احمد گ ا] متمم اجباری: فاعل
۲. [کتاب گ ا] متمم اجباری: متمم مستقیم/مفعول
۳. [به مینا گ ح] متمم اختیاری: متمم فعل
۴. [پس داد گ ف] هسته جمله

در جمله بالا گروه‌های مشخص شده ۱-۲ متمم‌های اجباری هستند اما گروه حرف اضافه‌ای «به مینا» یک حرف اضافه «به» به‌عنوان هسته و یک وابسته (مینا) دارد که در جمله بالا یک متمم اختیاری است (طیب‌زاده، ۱۳۹۱).

در صورت مستتر بودن و عدم ظهور آن، جمله بدساخت نمی‌شود؛ به همین دلیل به آن متمم اختیاری می‌گویند.

احمد کتاب را پس داد.

یا در جمله:

مریم با دوستش از خانه به مدرسه آمد.

۱. [مریم گ ا] متمم اجباری: فاعل





۲. [با دوستش گ ح] متمم اختیاری: قید
 ۳. [از خانه گ ح] متمم اختیاری: قید
 ۴. [به مدرسه گ ح] متمم اختیاری: قید
 ۵. [آمد گ ف] هسته جمله
 همان‌طور که در شماره‌های ۲-۳-۴ مشخص شده است، متمم‌های یاد شده به دلیل اینکه ظرفیت فعل جمله به آن‌ها نیازی ندارد و از طرف دیگر، این‌گونه فعل‌ها در ذهن کاربران زبان فارسی با حرف اضافه خاصی نمی‌آیند، متمم اختیاری نامیده می‌شوند و نقش دستوری آن‌ها قید است.

نگارنده برخلاف مؤلفان کتاب، این نوع متمم‌ها را از نقش دستوری آن‌ها جدا می‌داند و اصطلاح متمم قیدی و صفت مشترک با قید را برای آن‌ها درست نمی‌داند. به نظر می‌آید که مؤلفان کتاب‌های درسی (زبان فارسی دوم، ۱۳۸۸: ۱۴۶) در این‌گونه موارد خلط مبحث نموده‌اند و هیچ تمایزی بین نوع و نقش این‌گونه متمم‌ها قائل نشده‌اند. با توجه به اینکه مقوله متمم قیدی و گروه صفتی می‌تواند به صورت متمم اختیاری یا اجباری نقش‌های دستوری مستقلی داشته باشند، در مبحث متمم قید و گروه صفتی بیشتر به این موضوع می‌پردازیم.

متمم قید

متمم قیدی متممی است که بعضی از فعل‌ها به آن نیاز دارند و اغلب به صورت گروه حرف اضافه‌ای یا گروه قیدی ظاهر می‌شود و حذف آن باعث بد ساخت شدن جمله می‌شود:

پیامبر به شایستگی با مردم رفتار می‌کرد.
 ۱. [پیامبر گ ا] متمم اجباری: فاعل
 ۲. [به شایستگی گ ق] متمم اجباری: قید
 ۳. [با مردم گ ح] متمم اجباری: متمم فعل
 ۴. [رفتار کرد گ ف] هسته جمله
 در جمله بالا - همان طوری که مشخص شد - «به شایستگی» گروه قیدی و نقش دستوری آن قید است و حذف آن جمله را بد ساخت می‌کند:
 * پیامبر با مردم رفتار کردند
 در جمله:

احمد با مردم صمیمانه صحبت می‌کند
 ۱. [احمد گ ا] متمم اجباری: فاعل

۲. [با مردم گ ح] متمم اختیاری: متمم فعل
 ۳. [صمیمانه گ ق] متمم اجباری: قید
 ۴. [صحبت می‌کند گ ف] هسته جمله
 در نمونه بالا، «صمیمانه» گروه قیدی و نقش آن نیز قید است و حذف آن جمله را بدساخت می‌کند:

احمد با مردم صحبت می‌کند.
 ممکن است این جمله، درست به نظر بیاید اما از نظر مفهوم با جمله اول فرق دارد.

متمم قیدی متممی است که بعضی از فعل‌ها به آن نیاز دارند و اغلب به صورت گروه حرف اضافه‌ای یا گروه قیدی ظاهر می‌شود و حذف آن باعث بد ساخت شدن جمله می‌شود

متمم فعل

متممی است که به صورت گروه حرف اضافه‌ای می‌آید و در جمله چه مستتر باشد چه آشکار، ظرفیت فعل به آن نیاز دارد. این نوع متمم ممکن است به صورت متمم اختیاری نیز بیاید:

۱. علی از امتحانات می‌ترسد.
 ۲. علی می‌ترسد.
 الف. [علی گ ا] متمم اجباری: فاعل
 ب. [از امتحانات گ ح] متمم اختیاری: متمم فعل
 پ. [می‌ترسد گ ف] هسته: فعل
 «از امتحانات» یک گروه حرف اضافه‌ای «زی» است که در جمله شماره ۲ به دلیل مستتر بودن در گروه متمم اختیاری قرار گرفته است. مصدر این‌گونه فعل‌ها به خاطر اینکه در فرهنگ واژگانی با حرف اضافه

خاصی می‌آیند، چه آن گروه حرف اضافه مستتر باشد چه آشکار، در هر دو صورت گروه حرف اضافه‌ای آن متمم فعل است. نمونه‌هایی از فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ای خاص در نقش متمم فعل می‌آیند: نگرستن (به) - جنگیدن (با) - اجاره کردن (از)

نمونه

۱. غوک به آسمان می‌نگریست.
 * ۲. غوک می‌نگریست.

[به آسمان گ ح] متمم اجباری: متمم فعل
 در جمله ۱ «به آسمان» گروه حرف اضافه‌ای است که متمم اجباری فعل است و نقش دستوری متمم فعل دارد و همان‌طور که در جمله شماره ۲ نشان داده شد، حذف آن جمله را بدساخت کرده است.

متمم اسم

متمم اسم، متممی اجباری یا اختیاری برای اسم است؛ یعنی، یک اسم به‌عنوان هسته با آن کامل می‌شود و در یک گروه بزرگ‌تر با آن نقش دستوری واحدی می‌گیرد. به‌طور کلی، این متمم‌ها نوعی وابسته هستند که به شکل‌های اضافه‌ای، حرف اضافه‌ای و بند ظاهر می‌شوند.

در کتاب درسی دستور زبان فارسی سوم (۱۳۹۱: انسانی ۶۲) فقط یک شکل متمم اسم مطرح شده است؛ بدون اینکه نوع آن بیان گردد. فقدان صورت‌های دیگر این نوع متمم باعث سردرگمی در تشخیص آن در کتاب درسی شده است. نگارنده در این پژوهش انواع متمم اسم را در سه دسته زیر بررسی می‌کند:

متمم اضافه‌ای اسم

بعضی از اسم‌های مشتق شده از فعل‌اند که به متمم‌هایی به صورت اسم نیاز دارند و این متمم‌های اسم وابسته پسین آن اسم هستند. این اسم‌ها عبارت‌اند از: اعتراف، استناد، عنایت، موافقت، اتکا و ...

«استناد علی به قانون» صحیح بود.
 (طیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۰۰-۱۹۸)

در جمله بالا، اسم علی متمم اجباری برای استناد است.

استناد به قانون صحیح بود؟

متمم حرف اضافه‌ای اسم

ساخت ظرفیتی بعضی از اسم‌ها به متممی اجباری به صورت گروه حرف اضافه‌ای نیاز دارد. این نوع متمم‌ها را متمم حرف اضافه‌ای اسم می‌گویند؛ اسم‌هایی مانند: عقیده، اعتقاد، فهم و دستور.

۱. علاقه فاطمه به مطالعه (گ ح) ستودنی است.

در نمونه بالا، گروه حرف اضافه‌ای [به مطالعه] متمم برای علاقه است.

متمم‌بندی اسم

بعضی از اسم‌ها علاوه بر متمم اضافه‌ای و متمم حرف اضافه‌ای با متمم اختیاری بندی نیز می‌آیند؛ اسم‌هایی مانند موافقت، اصرار، قصد، خواهش و استناد.

[استناد] [علی] [متا] [که این آیات مکی اند] متب [گ ۱] کاملاً درست است.

استناد علی کاملاً درست است.

در جمله بالا بند «که این آیات مکی اند» متمم اختیاری برای اسم «استناد» است.

متمم صفت

صفت‌ها همانند اسم، قید، حرف و فعل از اجزای کلام‌اند و ممکن است همراه اسم بیایند و آن را توصیف کنند و نقش وصفی بگیرند (طیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۷۰).

۱. [هوای سرد]

و یا به صورت اسنادی بیایند:

۲. هوا [سرد] است.

در جمله ۲ همان‌طور که نشان داده شد، «سرد گ ص» یک گروه مستقل صفتی را تشکیل داده است و نقش اسنادی دارد اما صفت‌هایی وجود دارند که به انواع متمم نیاز دارند. به آن متمم‌ها، متمم صفت می‌گویند که به شکل‌های زیر ظاهر می‌شوند.

متمم اضافه‌ای صفت

بعضی از صفت‌ها به‌عنوان هسته با متمم‌های اجباری خود یک گروه صفتی را تشکیل می‌دهند. این متمم‌ها اسم‌هایی هستند که پس از کسره اضافه به این صفت‌ها اضافه می‌شوند. این صفت‌ها عبارت‌اند از: گرفتار، شبیه، مخل، ملنقت و ...

احمد [مخل] [آسایش کلاس] [متا] [گ ص] است.

در مثال بالا همان‌طور که نشان داده شد، گروه صفتی «مخل آسایش کلاس» نقش دستوری مسند دارد. «مخل» هسته گروه و «آسایش کلاس» متمم اضافه‌ای و وابسته برای صفت «مخل» است.

متمم حرف اضافه‌ای صفت

بعضی از صفت‌ها مانند «مردد، متزلزل، شبیه، مزین، آگاه، درگیر، موافق، و بیزار» با یک متمم به صورت گروه حرف اضافه‌ای در می‌آیند:

مردم ایران [بیزار] (از دخالت‌های بیگانگان گ ح) گ ص] هستند.

گروه حرف اضافه‌ای «از دخالت‌های بیگانگان» متمم صفت «بیزار» و وابسته آن است.

متمم‌بندی صفت

متمم‌بندی صفت یکی از متمم‌های صفت است که معمولاً در جمله اسنادی بعد از فعل ربطی می‌آیند.

او [آماده] - بود- (که امتحان بدهد متب) گ ص]

بند «که امتحان بدهد» متمم و وابسته صفت «آماده» است و قابلیت جابه‌جایی با یکی از متمم‌های اضافه‌ای یا حرف اضافه‌ای را دارد:

او [آماده امتحان] بود.

یا:

علی [آگاه] - بود- (که مادرش می‌آید)]

علی [از آمدن مادرش] [آگاه] بود.

متمم اسنادی

متمم‌هایی هستند که در جمله اسنادی در نقش مسند ظاهر می‌شوند. این متمم‌ها به صورت گروه اسمی، گروه صفتی و گروه حرف اضافه‌ای ظاهر می‌شوند:

۱. اینجا [تهران] گ ا] است.

۲. هوا [گرم] گ ص] می‌شود.

۳. این لباس [از ابریشم] گ ح] است.

در مثال ۳ طبق نظر مؤلفان کتاب زبان فارسی سوم (۱۳۹۰: ۶۳) «از ابریشم» نقش اسنادی دارد و درست است، اما همان‌طور

که بیان شد، این گروه حرف اضافه‌ای «از» نقش مسندی دارد ولی کل گروه (از ابریشم) متمم برای ظرفیت فعل اسنادی به حساب می‌آید که در آن گروه «از» هسته و «ابریشم» وابسته حرف اضافه «از» است.

نتیجه

این پژوهش چنین بیان می‌کند که اولاً گروه‌های حرف اضافه‌ای و گروه صفتی همانند گروه‌های اسمی، قیدی و ... سازه‌هایی مستقل‌اند و می‌توانند متمم‌هایی باشند که نقش‌های دستوری (فاعل، مفعول، قید، مسند و ...) را ایفا کنند.

در ثانی، ضمن بررسی نقش‌های دستوری صفت و انواع متمم‌های صفت از قبیل متمم اضافه‌ای، متمم حرف اضافه‌ای و متمم‌بندی صفت‌ها، اذعان می‌دارد که خلأ آن‌ها در کتاب‌های درسی سردرگمی‌هایی در امر تدریس برای همکاران ایجاد کرده است.

سوم اینکه شکل متمم‌ها را همراه با نقش دستوری آن‌ها به‌طور جداگانه بررسی کرده است؛ در حالی که کتاب‌های درسی دوره دبیرستان هیچ‌گاه این مقوله را به این شکل بررسی نکرده‌اند.

منابع

۱. دبیر مقدم، محمد. (۱۳۷۸). زبان‌شناسی نظری، نشر میترا.
۲. رحیمیان، جلال. (۱۳۹۰). جنبه‌های نقش متمم در فارسی، ویژه‌نامه فرهنگستان ۹.
۳. زندی مقدم، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی صوری و معنایی قید در زبان فارسی، ویژه‌نامه فرهنگستان. شماره ۵، صفحه ۱۰۰.
۴. شقاقی، ویدا. (۱۳۸۶). انضمام در زبان فارسی، ویژه‌نامه فرهنگستان، شماره ۳، صفحه ۲۵.
۵. طیب‌زاده، امید. (۱۳۹۱). دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی. تهران: نشر مرکز.
۶. _____ . (۱۳۸۸). ظرفیت فعل در فارسی. نامه فرهنگستان (۵-ش ۲).
۷. _____ . (۱۳۸۵). ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز. تهران: نشر مرکز.
۸. مؤمنی، فرشته. (۱۳۸۷). دستور مختصر زبان فارسی. آمل: چاپ جلوه.
۹. حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران. (۱۳۹۱). زبان فارسی ۳ تجربی و ریاضی، چاپ سیزدهم، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، سهامی خاص.
۱۰. _____ . (۱۳۹۱). «زبان فارسی ۳ انسانی»، چاپ چهاردهم، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، سهامی خاص.
۱۱. _____ . (۱۳۸۸). «زبان فارسی ۲»، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، سهامی خاص.

